



تحلیل تجارب معلمان در مورد عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت زمان یاددهی- یادگیری در

کلاس‌های چندپایه

Teachers Experiences of Factors Affecting Quality of Teaching-learning Time Management in Multi-grade Classes

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۲۵

[DOR: 20.1001.1.17354986.1400.16.62.6.1](https://doi.org/10.17354/986.1400.16.62.6.1)

S. H. Mortazavizadeh (Ph.D)

M. Hasani (Ph.D)

سیدحشمت الله مرتضوی زاده^۱محمد حسنی^۲

Abstract: The present study aims to identify the factors affecting the quality of teaching-learning time management in multi-grade classes from the perspective of experienced teachers. The research approach was qualitative phenomenographical and the research population included teachers of multi-grade classes in Yasuj (Iran), 24 of whom were selected through purposeful sampling observing theoretical saturation in semi-structured interviews. In order to validate the interview questions, the professors of the Department of Educational Sciences were consulted. The interview transcripts were presented to and affirmed by the interviewees to ensure the reliability of the research data. The interview transcripts were coded and categorized, and then analyzed and classified. The experiences of the teachers on factors affecting the improvement of teaching-learning time management in multi-grade classes were classified into the two major categories of affirmative and privative. The affirmative major category consists of three main categories and nine subcategories, and the privative category consists of five main categories.

Keywords: multi-grade classes, multi-grade teaching, time management, teaching-learning

چکیده: هدف مقاله حاضر شناخت عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت زمان یاددهی-یادگیری در کلاس‌های چندپایه از دیدگاه معلمان باتجربه است. رویکرد پژوهش، کیفی از نوع پدیدار نگاری است. جامعه پژوهش، معلمان کلاس‌های چندپایه شهرستان یاسوج بودند که از طریق نمونه-گیری هدفمند، تعداد (۲۴) نفر از آنان با رعایت اصل اشباع نظری از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته در پژوهش شرکت کردند. جهت دستیابی به روایی سؤال‌های مصاحبه از نظرات استادان گروه علوم تربیتی استفاده شد. برای اطمینان از اعتبار داده‌های پژوهش، پس از استخراج متن مصاحبه‌ها، آنها به مصاحبه‌شوندگان ارائه شد تا نظر تأییدی آنها در این زمینه به دست آید. مصاحبه‌ها کدگذاری و مقوله‌بندی شده سپس تحلیل و دسته‌بندی شدند. بر اساس یافته‌های به دست آمده؛ تجارب معلمان درباره عوامل تأثیرگذار در بهبود کیفیت مدیریت زمان یاددهی-یادگیری در کلاس‌های چندپایه در دو مقوله کلان ایجابی و سلبی تقسیم شدند. مقوله کلان ایجابی شامل: (۳ مقوله) اصلی و (۹مقوله) فرعی و مقوله کلان سلبی شامل (۵ مقوله) اصلی است.

کلیدواژه‌ها: کلاس چندپایه، تدریس چندپایه و مدیریت زمان یاددهی-یادگیری

تدریس یک معلم به یادگیرندگانی در سنین، پایه‌ها و توانایی‌های مختلف در یک موقعیت آموزشی مشترک پدیده‌ای آموزشی است که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته مشاهده می‌شود. برای اشاره به این پدیده از اصطلاحات مختلفی نظیر؛ کلاس چند سطحی^۱، کلاس چندپایه^۲، کلاس ترکیبی^۳، گروه عمودی^۴ و کلاس‌های خانوادگی^۵ استفاده می‌کنند (سیمپسون^۶، ۲۰۱۶) که کلاس چندپایه از مشهورترین آن‌هاست. برون سویچ و والرین^۷ (۲۰۰۴) معتقدند ایجاد کلاس چندپایه اغلب ناشی از ضرورت است و به دلایل اقتصادی، اجتماعی یا شرایط جمعیتی (تراکم جمعیت پایین، در نتیجه مهاجرت از روستا به شهر) تشکیل می‌شود. هرچند تعداد زیادی از کودکان جهان هم در مدارس روستایی کشورهای درحال توسعه و هم در کشورهای توسعه‌یافته حضور دارند (اسمیت، هری بیاهامر و راگل^۸، ۲۰۱۵). اما این موضوع، تا به امروز، به‌طور عمیق بررسی نشده است. این کمبود مطالعات نشان‌دهنده کمبود تحقیق است. هارگریوز، کوالسوند و گالتون^۹ (۲۰۰۹) استدلال می‌کنند "علیرغم این‌که جمعیت قابل‌توجهی از کودکان جهان در جوامع و مدارس روستایی زندگی می‌کنند، تحقیقات تربیتی در این زمینه نسبتاً نادر است (ص ۸۰). از دیدگاه اروپاییان، تحقیقات کمی در تدریس و یادگیری در مدارس کوچک روستایی بیش از دو دهه گذشته انجام شده است و پیدا کردن اطلاعات درباره تدریس چندپایه دشوار است (مارلی کین^{۱۰}، ۲۰۰۷). کمبود شدید پیشینه رایج در تحقیق در مورد تدریس چندپایه وجود دارد. از این رو بسیاری از منابع موجود در این بخش قدیمی هستند (کیوسیتا، کیوانجا، مکس ول و کاینی^{۱۱}،

1. Multi-Level
2. Multigrade Class
3. Composite Class
4. Vertical Group⁷
5. Family Classes⁷
6. Sampson
7. Brunswic & Valerien
8. Smit, Beihammer & Raggl
9. Hargreaves, Kvalsund, & Galton
10. Mulryan-Ky
11. Kucita, Kivunja, Maxwell, & Kuyini

تحلیل تجارب معلمان در مورد عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت ...

۲۰۱۳). تدریس در کلاس‌های چندپایه از تدریس در کلاس‌های تک‌پایه دشوارتر است (کیزیلا، ۲۰۱۲).

بیوکس^۲ (۲۰۰۶) معتقد است یکی از چالش‌های معلمان کلاس‌های چندپایه مهارت در مدیریت زمان است. مدیریت زمان به فعالیت‌هایی اشاره می‌کند که استفاده مؤثر از زمان را به‌منظور تسهیل بهره‌وری و کاهش استرس به عهده دارند. مدیریت زمان به معنای حداکثر استفاده از زمان برای بهره‌وری و موفقیت است؛ مدیریت زمان شامل تهیه و اجرای جدول زمانی برای فعالیت‌های مختلف آموزشی از قبیل؛ تدریس مواد درسی، مشاوره و راهنمایی معلمان، تخصیص زمان به فعالیت‌های فردی دانش‌آموزان، سازمان‌دهی و آماده‌سازی فعالیت‌های فوق‌برنامه است (ظفراله^۳ و همکاران، ۲۰۱۶).

سیجس‌ورث و سولستد^۴ (۲۰۰۵) در یک گزارش با چشم‌اندازهایی از مدارس روستایی کشورهای اروپایی نتیجه‌گیری می‌کند که تدریس در کلاس چندپایه یک فعالیت سخت و پیچیده است. فقدان مهارت‌های مدیریت کلاس به‌وسیله جویرت (۲۰۱۰) تأکید شده است و معتقد است که فشار حجم کار و مدیریت زمان از عوامل چالش‌انگیز در کلاس‌های چندپایه هستند. کیوسیتا^۵ و همکاران (۲۰۱۳) در یک تحقیق به این نتیجه رسیدند که یکی از مهم‌ترین مشکلات مشترک معلمان این بود که وقت کافی برای تمرکز و کمک به دانش‌آموزان ضعیف‌تر و همچنین دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر ندارند. همچنین ریچلین^۶ (۲۰۱۲) در تحقیق خود به این نتیجه دست می‌یابد که در کلاس‌های چندپایه زمان یاددهی-یادگیری برای معلمان کاهش می‌یابد.

بررسی‌های محقق نشان داد، در رابطه با عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت زمان یاددهی-یادگیری در کلاس‌های چندپایه، تحقیقی در دست نیست. پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که اغلب تحقیقات ناظر به بررسی مشکلات کلاس‌های چندپایه می‌باشند و نویسندگان و پژوهش‌گران به‌صورت پراکنده در ضمن تحقیقات خود، هر یک روش یا روش‌های خاصی را

1. Kizilaslan

2. Beukes

3. Zafarullah , Et Al

4. Sigsworth And Solstad

5. Kucita

6. Richlyn

برای مدیریت یاددهی-یادگیری در این کلاس‌ها مورد توجه قرار دادند. اما در رابطه با مدیریت زمان در کلاس درس به صورت عمومی تحقیقات اندکی صورت گرفته است؛ برای مثال ظفراله و همکاران (۲۰۱۶) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده‌اند که از طریق برنامه‌ریزی عقلاانه، تسلط بر موضوعات درسی، طراحی دقیق، پیاده‌سازی مناسب و کار سخت، اولویت‌بندی، منظم بودن، وقت‌شناسی و آمادگی معلمان، طرح درس، مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌ها می‌تواند زمان یاددهی-یادگیری را در کلاس درس مدیریت کرد. کایریلو^۱ و همکاران (۲۰۱۵) اصول اساسی مدیریت زمان را شامل تعیین هدف، اولویت‌بندی فعالیت‌ها، برنامه‌ریزی دقیق، ارزشیابی فعالیت‌ها و تعادل در فعالیت‌ها را در مدیریت زمان عنوان کرده‌اند. از نظر بسیاری از پژوهشگرانی که در زمینه کلاس‌های چندپایه مطالعاتی داشته‌اند مانند (اسدی، ۱۳۸۰؛ بهنام هشت جین و ساعدی زرج آباد، ۱۳۸۰؛ عبدی، ۱۳۸۳؛ مکوسانا و کاپیسا، ۲۰۰۴؛ لیتل، ۲۰۰۶؛ بیوکس، ۲۰۰۶؛ بری، ۲۰۰۶؛ جوهرت (۲۰۱۰)، کیوسیتا و همکاران (۲۰۱۳)، ریچلن (۲۰۱۲)؛ آقازاده و فضل‌ی، ۱۳۹۲؛ مرتضوی زاده، ۱۳۹۸؛ کیوسیتا و همکاران، ۲۰۱۳؛ بشیری حدادان، محمودی، رضاپور و ادیب، ۱۳۹۴) یکی از مهم‌ترین مشکلات معلمان کلاس‌های چندپایه؛ کمبود وقت است.

زمان آموزش، یکی از مؤلفه‌های مهم و بی‌بدیل فرایند آموزش است که متناسب با ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی، نگرش‌های متفاوتی نسبت به آن وجود دارد. این مهم در آموزش و پرورش ایران، که دارای شرایط متنوع جغرافیایی، اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی است، به‌دقت و تأمل بیشتری نیاز دارد. زمان اختصاص‌یافته به هرکدام از مواد درسی در جدول مواد درسی و ساعات کار هفتگی دوره ابتدایی مشخص شده است. در این‌گونه کلاس‌ها معلم باید بتواند زمان آموزش را بین پایه‌ها تقسیم کند. زمان آموزش هر پایه تحصیلی در دوره ابتدایی (۹۲۵) ساعت است. ساعت کار هفتگی دوره ابتدایی (۲۵) ساعت در کلیه پایه‌ها و زمان هر جلسه در پایه‌های اول، دوم و سوم (۴۵) دقیقه و در پایه‌های چهارم، پنجم و ششم (۵۰) دقیقه می‌باشد (برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱). اگر یک کلاس چندپایه، شش پایه در نظر گرفته شود، زمان آموزش هر پایه در هر روز (۵) جلسه و در هفته (۲۵) جلسه است که با

تحلیل تجارب معلمان در مورد عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت ...
احتساب شش پایه؛ معلم کلاس چندپایه باید در هر روز (۳۰) جلسه و در هفته (۱۵۰) جلسه آموزش دهد که انجام این کار با این حجم بسیار دشوار و خسته کننده است. نکته مهم و حساس این است که آموزش‌ها در کلاس‌های چندپایه از لحاظ زمانی، باید به گونه‌ای ارائه گردد که به طور مؤثر شناخت و یادگیری مطلوب را در فراگیران ایجاد نماید؛ چراکه هر محتوایی را نمی‌توان در هر قالب زمانی آموزش داد؛ لذا ضروری است تا با توجه به نوع محتوا و اهدافی که از طریق محتوا برآورده می‌شود زمان لازم برای فعالیت یادگیری لحاظ گردد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۹۴). نتیجه این که مدیریت زمان یادهی-یادگیری در کلاس‌های چندپایه از عوامل مهم و تأثیرگذاری است که باید به آن توجه بیش تر مبذول شود.

در این پژوهش منظور از مدیریت زمان یادهی-یادگیری؛ چگونگی صرف زمان برای آموزش محتوا به دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه است به گونه‌ای که دانش‌آموزان به نحو ثمربخشی در فعالیت‌های یادهی-یادگیری درگیر شوند. تعیین محتوای آموزشی، تدریس، مدیریت فرایند یادهی-یادگیری و کیفیت نتایج مورد انتظار از آموزش از عوامل تعیین کننده زمان و کیفیت استفاده از آن است. تدوین طرح درس‌های روزانه، استفاده از جامعه محلی به عنوان یک منبع، درگیرکردن دانش‌آموزان در فعالیت‌های مختلف، انتخاب و سازمان دهی فعالیت‌ها از شرایط لازم برای مدیریت زمان در کلاس درس چندپایه است (یونسکو، ۲۰۱۵).

طرح درس برنامه‌های کاری هستند برای این که مشخص کند معلم قصد دارد چگونه برای اداره یک درس استفاده کند. در یک کلاس چندپایه یک طرح درس برای این که روشن کند چگونه پایه‌های مختلف را اداره کند، اهمیت بیش تری دارد. واقعیت این است که طرح درس‌ها، همیشه یکی از نگرانی‌های معلمان کلاس چندپایه است. به گفته بری (۲۰۰۶) برنامه-ریزی برای یک کلاس چندپایه از نیاز به تفکر دقیق در مورد شیوه تدریس پایه‌های مختلف، اهمیت بیش تری دارد و عدم وجود طرح درس‌ها به طور بالقوه می‌تواند به بی اثر بودن تدریس معلم چندپایه منجر شود. نگه داشتن دانش‌آموزان در تمام پایه‌ها در انجام وظایف مختلف و درگیرکردن آن‌ها در طول روز در مدرسه می‌تواند مشکل باشد. به اعتقاد مکوسانا و کاپیسا^۱ (۲۰۰۴) تدریس چندپایه پیچیده است، چراکه معلم باید به موارد بسیاری در آن واحد توجه کند. زمان بندی فعالیت‌ها می‌تواند به کار معلم ساختار دهد و از آن به عنوان راهنما و تعیین مسیر

درست استفاده کند، زیرا جدول زمانی به معلم کمک می‌کند تا کار را برای هر پایه پی‌ریزی کند، مطمئن شود که همه عنوان‌ها یا دروس را تدریس می‌کند و مقدار مناسبی از وقت را به هر درس اختصاص دهد.

با توجه به اهمیت و نقش عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت زمان یاددهی-یادگیری و تمایز ماهیت کلاس‌های چندپایه با کلاس‌های تک‌پایه، این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ به پرسش زیر می‌باشد:

عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت زمان یاددهی-یادگیری در کلاس‌های چندپایه بر اساس تجارب زیسته معلمان این کلاس‌ها کدام‌اند؟

روش پژوهش

بنا به ماهیت موضوع مورد مطالعه، رویکرد پژوهش حاضر کیفی از نوع پدیدارنگاری است. به اعتقاد مارتین^۱ (۱۹۸۱) به نقل از غلامی و اسدی (۱۳۹۲)، پدیدارنگاری روشی برای تحلیل توصیفی و فهم افراد از پدیده‌هایی است که آن‌ها در طول زندگی حرفه‌ای یا شخصی خود تجربه کرده‌اند. محقق در رویکرد کیفی تلاش می‌کند تا پدیده‌های انسانی را درک کند و معنایی را که افراد به رویدادهایی که تجربه می‌کنند را بررسی کند (جویس^۲، ۲۰۱۴). هدف پژوهشگر از اجرای طرح تحقیق پدیدارنگاری^۳ آن است که درک و فهم افراد از دنیای کاری-شان را مطالعه کنند. جامعه پژوهش معلمان کلاس‌های چندپایه شهرستان یاسوج در سال ۱۳۹۸ بوده که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شد. نمونه‌گیری هدفمند هنگامی به کار می‌رود که افراد با توجه به اطلاعات و ادراک غنی از موضوع مورد نظر انتخاب می‌شوند (گال، بورگ و گال^۴، ۱۳۸۹). اطلاع‌رسانان از بین جامعه معلمان چندپایه با این ویژگی‌ها به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند که بیش‌ترین و بهترین اطلاعات را دارا باشند.

• بیش از ده سال سابقه تدریس،

-
2. Martin
 3. Joyce
 4. Phenomenography
 5. Gall & Borg

تحلیل تجارب معلمان در مورد عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت ...

- گذراندن آموزش دوره‌های ضمن خدمت مرتبط با کلاس‌های چندپایه یا مدرس کلاس‌های چندپایه،

کد مصاحبه شونده	سابقه تدریس چندپایه	میزان تحصیلات	تعداد پایه‌های تدریس	کد مصاحبه شونده	سابقه تدریس چندپایه	میزان تحصیلات	تعداد پایه‌های تدریس
۱	۱۰	کارشناسی	۳	۱۳	۱۵	کارشناسی	۵
۲	۱۵	کارشناسی	۵	۱۴	۱۰	کارشناسی	۴
۳	۱۷	کارشناسی	۴	۱۵	۱۸	کارشناسی	۴
۴	۱۷	کارشناسی	۳	۱۶	۱۹	کارشناسی	۶
۵	۱۹	کارشناسی	۵	۱۷	۲۱	کارشناسی	۳
۶	۱۹	کارشناسی	۶	۱۸	۱۱	کارشناسی	۶
۷	۱۴	کارشناسی	۴	۱۹	۱۲	کارشناسی	۴
۸	۱۱	کارشناسی	۳	۲۰	۱۳	کارشناسی	۵
۹	۱۲	کارشناسی	۶	۲۱	۱۵	کارشناسی	۳
۱۰	۱۱	کارشناسی	۴	۲۲	۱۷	کارشناسی	۶
۱۱	۱۲	کارشناسی	۶	۲۳	۱۹	کارشناسی	۵
۱۲	۱۴	کارشناسی	۵	۲۴	۱۱	کارشناسی	۴

جدول ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ابزار جمع‌آوری داده‌ها؛ مصاحبه نیمه ساختاریافته است که پس از هماهنگی‌های لازم و اخذ معرفی‌نامه رسمی، با مصاحبه‌شوندگان در خصوص زمان و مکان مصاحبه، مذاکره شد و طبق برنامه مصاحبه‌ها در زمان سی تا چهل دقیقه در کلاس درس، بدون حضور دانش‌آموزان انجام شد. مصاحبه‌ها تا زمان اشباع داده‌ها ادامه یافت یعنی تا زمانی که با افزایش تعداد مصاحبه‌ها نظر جدیدی از افراد، یافت نشد. به این ترتیب تعداد اطلاع‌رسانان به ۲۴ نفر بالغ گردید. به منظور اعتباربخشی یافته‌ها، مجدداً چهار مصاحبه دیگر انجام گرفت که با تکرار شدن داده‌ها و به اشباع رسیدن یافته‌ها، نتایج آن مصاحبه‌ها ذکر نشده است. علاوه بر آن برای اطمینان بیش‌تر از اعتبار داده‌های پژوهش، پس از پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها، به مصاحبه‌شوندگان ارائه شد تا نظر

تأییدی آن‌ها در این زمینه به دست آید. پس از ارائه نظرات مصاحبه‌شونده‌ها، در صورت وجود هر نوع ابهامی در درک مطالب، مفهوم برداشت‌شده به فرد مشارکت‌کننده، بازخورد داده شد و با همکاری آن‌ها ابهام‌ها برطرف شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل و دسته‌بندی اطلاعات به‌نحوی که برای مراجعان به سهولت قابل بهره‌برداری باشد (مهرمحمدی، ۱۳۹۲) از روش مقوله‌بندی استفاده گردید. این روش برای تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه است که می‌توان از آن دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان تحلیل کرد (کرسول، ۲۰۰۷). مقوله‌بندی عمل طبقه‌بندی عناصر تشکیل‌دهنده یک مجموعه به‌وسیله تمایز و بعد گروه‌بندی بر اساس شباهت‌ها و ملاک‌های از قبل تعیین‌شده است (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۰). پژوهشگر سعی کرد با مطالعه سطر به سطر متن مصاحبه‌ها به‌طور عمقی پدیده مورد مطالعه را بررسی کند.

یافته‌های پژوهش

بررسی نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها نشان داد که بر اساس دیدگاه معلمان کلاس‌های چندپایه درباره عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت زمان یاددهی-یادگیری در این کلاس‌ها را می‌توان به دودسته کلی تحت عنوان مقوله‌های ایجابی و مقوله‌های سلبی تقسیم کرد.

مقوله‌های ایجابی

مقوله‌های ایجابی، مقوله‌هایی هستند که با استفاده از آن‌ها می‌توان زمان آموزش را مدیریت کرده و کیفیت بهره‌وری از زمان در اختیار برای فعالیت‌هایی یاددهی-یادگیری را افزایش داد. در واقع این مقوله‌ها با حضور خودشان در بهبود مدیریت زمان به معلم چندپایه کمک می‌کند. این دسته از مقوله‌ها به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

الف؛ خلاقیت در به کارگیری فضای کالبدی کلاس

ب؛ تنوع‌بخشی به راهبردهای تدریس مورد استفاده

ج؛ شایستگی‌های معلم چندپایه

هرکدام دارای زیر مقوله‌هایی هستند که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرند:

۱. خلاقیت در به کارگیری فضای کالبدی کلاس

فضای کالبدی کلاس از عامل‌های مهم در مدیریت زمان در تدریس چندپایه است. به‌گونه‌ای

تحلیل تجارب معلمان در مورد عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت ...

که می‌توان گفت این یکی از مهارت‌های ضروری برای معلم چندپایه است تا بتواند زمان را به‌درستی در کلاس مدیریت کند. این موضوع در تجربه‌های معلمان چندپایه آشکار شده است.

۱-۱. **انعطاف در چپش دانش‌آموزان:** اولین اقدام معلم در ابتدای هر جلسه تعیین وضعیت دانش‌آموزان هر پایه است؛ این‌که در آن جلسه کدام‌یک در محور تدریس معلم قرار می‌گیرند و کدام‌یک در محور تدریس قرار نمی‌گیرند و تا زمان آموزش مستقیم معلم، به چه فعالیت‌هایی مشغول خواهند شد؟ دانش‌آموزان هر پایه در کدام قسمت کلاس می‌نشینند؟ وضعیت پایه‌های محور و خودآموز را تعیین خواهد کرد. یعنی پایه‌های محور در جلوی کلاس و پایه‌های خودآموز با دادن تکالیف هدفمند در قسمت انتهایی کلاس قرار می‌گیرند و به‌صورت فردی یا گروهی در فعالیت‌های یادگیری درگیر می‌شوند. تعیین وضع کلاس سبب می‌شود تا هر دانش‌آموز بداند در هر جلسه به چه فعالیت‌هایی مشغول خواهد شد؛ انجام این کارها موجب استفاده مناسب از زمان یاددهی-یادگیری خواهد شد و معلم زمان یاددهی-یادگیری را مدیریت خواهد کرد. بنابراین بسته به طرح درسی که معلم دارد و پایه‌ای که محور این طرح درس است چپش دانش‌آموزان متفاوت خواهد بود. این مضمون در بیان مصاحبه‌شونده زیر ملاحظه می‌شود.

مصاحبه‌شونده (۹): ((در کلاس‌های چندپایه، معلم باید قبل از تدریس، وضعیت پایه‌های محور (دانش‌آموزان پایه‌هایی که قرار است در آن جلسه در محور تدریس قرار گیرند) و خودآموز (دانش‌آموزان پایه‌هایی که در آن جلسه در محور تدریس معلم قرار نمی‌گیرند) را مشخص کند سپس جای نشستن آن‌ها را تعیین کند تا بتواند فرایندهای یاددهی-یادگیری را به‌طور مؤثری مدیریت کند)).

مصاحبه‌شونده (۲): ((در ابتدای کلاس و گاهی هم در پایان جلسه قبل نحوه آرایش کلاس را مشخص می‌کنم. وقتی تعداد پایه‌ها بیش از سه پایه باشد و اتاق اضافی داشته باشم یا هوا مساعد باشد، تعداد پایه‌هایی که قرار است در آن جلسه تدریس کنم را در کلاس نگه می‌دارم و بقیه را به اتاق دیگر یا در حیاط مدرسه با تعیین خلیفه برای هر پایه هدایت می‌کنم. اگر قبل از تدریس این کار را انجام ندهم نمی‌توانم تدریس با کیفیتی داشته باشم)).

۲-۱. تنوع بخشی به بهره‌گیری از ظرفیت‌های فضای کالبدی کلاس و مدرسه: با توجه به ماهیت کلاس‌های چندپایه در صورتی که کلاس چندپایه به لحاظ کالبدی امکان تنوع کاربردی را بدهد می‌توان زمان را مدیریت نمود خصوصیات فیزیکی کلاس از قبیل اندازه کلاس، سطح پارازیت، نحوه آرایش میز و صندلی‌ها، دمای اتاق و فاصله میان معلم و دانش‌آموزان بر سرعت برقراری تعاملات کلاسی و انجام فعالیت‌های یادگیری تأثیرگذار هستند. فضای کلاس‌های چندپایه، در ابتدا برای کلاس‌های عادی یا تک‌پایه ساخته شده‌اند و به دلیل مهاجرت مردم به مناطق دیگر تعداد دانش‌آموزان کاهش پیدا کرده و به کلاس چندپایه تبدیل شده‌اند. اغلب اتاق‌ها کوچک و متناسب با تعداد دانش‌آموزان نیستند. در این کلاس‌ها معلم و دانش‌آموزان به راحتی نمی‌توانند رفت‌وآمد کنند و تعامل و فعالیت‌های گروهی به راحتی انجام نمی‌شود و معلم باید فضای کلاس را متناسب با شرایط کلاس خود مدیریت کند. تا بتواند بهره‌وری زمان در اختیار خود را بالا ببرد. به همین جهت باید از حیاط مدرسه، دیوارها و کف اتاق برای مدیریت زمان فرایند یاددهی-یادگیری استفاده نماید. این معنا از بیانات این مصاحبه‌شونده استنتاج می‌شود.

مصاحبه‌شونده (۱۱): ((فضای مناسب برای کلاس چندپایه باید منعطف باشد و امکان استفاده چندمنظوره از آن فراهم باشد. در هر طرف کلاس که امکان داشته باشد باید وایت برد نصب شود. دسترسی به فضای آزاد و حیاط آسان باشد. فضا به گونه‌ای باشد که معلم بتواند مراکز رغبت و میزهای یادگیری را هدایت کند. علاوه بر آن با توجه به فضای کلاس درس، قسمتی به وسایل آموزشی و دست‌ساخته‌های دانش‌آموزان اختصاص داده شود. قسمتی به تابلوی کلاس و کتابخانه کلاس در گوشه‌ای از کلاس، چوب‌لباسی و رخت‌کن برای دانش‌آموزان، محلی هم برای استراحت و خوراکی‌های آنان اختصاص داده شود)).

مصاحبه‌شونده (۶): ((اگر مدرسه اتاق اضافی یا آزمایشگاه یا نمازخانه داشته باشد و تعداد پایه‌ها زیاد باشد برحسب برنامه هفتگی مشخص می‌کنم که دانش‌آموزان چه پایه‌هایی در کلاس باشند و دانش‌آموزان چه پایه‌هایی بیرون از کلاس باشند. البته در مواقعی که تعداد دانش‌آموزان کلاس کم باشند یا بخواهم از روش‌های مشارکتی استفاده کنم، مجبورم از دانش‌آموزان پایه‌های خودآموز در تدریس پایه‌های محور استفاده کنم، بنابراین دانش‌آموزان شش پایه را در کلاس نگه می‌دارم.

تحلیل تجارب معلمان در مورد عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت ...

۲. تنوع‌بخشی به راهبردهای تدریس مورد استفاده: راهبردهای زیادی هستند که معلم می‌تواند از آنها برای تدریس خود استفاده کند؛ تنوع‌بخشی به آنها و متناسب‌سازی با موقعیت و شرایط کلاس‌های چندپایه در مدیریت زمان اهمیت فراوانی دارد. بی‌تردید معلم باید راهبردهایی را برگزیند که بتواند در موقعیت ویژه و خاص کلاس درس چندپایه اثربخش باشد یعنی به بهره‌وری زمانی موردنیاز معلم کمک کند راهبردهای تدریسی که به صورت فعال دانش‌آموزان را در فرایند یادگیری‌شان درگیر کند، برای مدیریت زمان مفید خواهد بود. در این زمینه می‌توان به: راهبرد؛ خودآموزی، تدریس شاگرد به شاگرد اشاره کرد. از نظر معلمان کلاس‌های چندپایه نمی‌توان یک راهبرد منحصربه‌فرد را برای تدریس در کلاس‌های چندپایه پیشنهاد کرد زیرا برای تدریس هر موضوعی باید از روش‌های متناسب با آن استفاده نمود. آگاهی معلم از روش‌های متنوع تدریس سبب می‌شود تا هر جلسه با توجه به موضوع و اهداف درس از روش‌های مختلفی استفاده نمود که فرایند یادگیری را برای دانش‌آموزان تسریع و تسهیل کند و به مدیریت زمان کمک کند. این مضمون در بیان مصاحبه‌شونده‌ها آشکار است.

مصاحبه‌شونده (۵): ((در آموزش چندپایه، روش‌هایی برای تدریس مفید و اثربخش هستند که از طرفی بافت متنوع فرهنگی و زبانی این آموزش را در نظر داشته باشند و از طرف دیگر از نظر زمانی قابل مدیریت و مقرون‌به‌صرفه باشند. آگاهی معلم از روش‌های مختلف تدریس چون؛ تدریس همشاگردی، تلفیقی و بارش فکری نیز در تدریس بسیار مؤثرند)).

مصاحبه‌شونده (۱۰): ((من پنج‌پایه دارم، برای تدریس هر پایه به صورت جداگانه وقت کم می‌آورم، یک از کارهایی که انجام می‌دهم این است که پایه‌های نزدیک به هم را کنار هم قرار می‌دهم و به صورت مشترک به آن‌ها آموزش می‌دهم البته موضوعاتی که شبیه به هم باشند، بیشتر در درس‌های ریاضی و علوم این کار را انجام می‌دهم، گاهی هنر و انشا را هم با این درس‌ها تلفیق می‌کنم. از این روش برای استفاده مناسب از زمان استفاده می‌کنم و تاکنون موفق هم بوده‌ام)).

مصاحبه‌شونده (۱۵): ((روش‌های مناسب کلاس‌های چندپایه برآمده از نظریه‌های تربیتی مرتبط با فعال‌سازی دانش‌آموزان برای عهده‌دار شدن یادگیری‌شان است به همین دلیل استفاده از روش‌های متنوع تدریس می‌توانند به استفاده مؤثر از زمان به معلم کمک کنند. برای مثال:

معلم می‌تواند به یک پایه یک موضوع بدهد تا در مدت زمانی مشخص با یکدیگر به بحث گروهی بپردازند، از پایه دیگر بخواهد تا نقشه مفهومی موضوع مورد نظر را ترسیم کند و ...).

۱-۲. به کارگیری راهبرد خودآموزی: رایج‌ترین راهبرد و یکی از فعالیت‌هایی که دانش‌آموزان در کلاس‌های چندپایه به‌طور مستمر انجام می‌دهند، راهبرد خودآموزی است. در کلاس‌های چندپایه نمی‌توان همیشه از یک راهبرد مانند تلفیق یا آموزش گروهی استفاده کرد، پس لازم است به هر پایه جداگانه آموزش دهد. وقتی معلم به یک پایه آموزش می‌دهد سایر پایه‌ها می‌توانند با فعالیت‌های خودآموز به‌صورت هدفمند مشغول شوند. حتی وقتی به یک پایه آموزش داد، باید بعد از آموزش در محور خودآموز قرار گیرد و نمی‌تواند بیکار باشد پس به فعالیت خودآموز مشغول می‌شود. وقتی گروهی از دانش‌آموزان به خودآموزی مشغول می‌شوند، معلم فرصت آموزش مستقیم به سایر پایه‌ها را پیدا می‌کند و در مدیریت مؤثر زمان به معلم کمک می‌کند. مهارت پایه برای تحقق چنین راهبردی، ایجاد مهارت خود راهبری است اساساً دانش‌آموزان چندپایه به دلیل زمان اندک تعامل با دانش‌آموزان با معلمانشان، لازم است کسب مهارت خود راهبری یادگیری است. وقتی دانش‌آموزان این توانایی را کسب کنند معلم به راحتی خواهند توانست زمان محدود در اختیار را مدیریت کنند.

مصاحبه‌شونده (۲۱): «معلم در هر جلسه نمی‌تواند همه پایه‌ها را آموزش دهد؛ گاهی از آن‌ها می‌خواهد تا به‌صورت فردی مطالعه کنند تا معلم به آموزش دانش‌آموزان پایه‌های دیگر بپردازد، بدین صورت دانش‌آموزان به خودآموزی مشغول می‌شوند».

مصاحبه‌شونده (۷): «بیشتر اوقات دانش‌آموزان در محور تدریس معلم نیستند، وقتی من پنج پایه داشته باشم، نمی‌توانم در هر جلسه به همه آنها آموزش دهم، گاهی به دلیل ضعف در یک درس مانند ریاضی، مجبورم یک جلسه فقط به یک پایه آموزش دهم. در چنین حالتی دانش‌آموزان پایه‌های دیگر بیکارند، یکی از روش‌های این است که از آنها بخواهم تا خودشان مطالعه فردی داشته باشند، از خود بپرسند، درس جدید را روخوانی کنند و گاهی هم خلاصه نویسی کنند».

۲-۲. به کارگیری راهبرد دیگرآموزی (شاگرد به شاگرد): مشارکت از راهبردهای اصلی برای ایجاد فضای عاطفی در کلاس درس چندپایه است. یعنی فضایی که دانش‌آموزان نسبت به

تحلیل تجارب معلمان در مورد عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت ... یادگیری همدیگر احساس مسئولیت کنند. در کنار مهارت خودآموزی یا خودراهبری یادگیری، معلمان چندپایه برای مدیریت بهینه زمان در اختیار برای تدریس باید مهارت هم راهبری را در بین دانش‌آموزان ایجاد نمایند. یکی از فرصت‌هایی که به ایجاد مهارت هم راهبردی یادگیری کمک می‌کند تدریس شاگرد به شاگرد است. اکثر معلمان اذعان نمودند که استفاده از روش تدریس شاگرد به شاگرد، فرصتی را برای چگونگی یادگرفتن و چگونگی یاددادن در کلاس‌های چندپایه فراهم می‌کند زیرا کلاس‌های چندپایه این فرصت را به دانش‌آموزان می‌دهد تا بر اساس مهارت‌ها، استعدادها، علائق، نوع شخصیت و میزان سن خود با یکدیگر همکاری کنند که این نیز به‌نوبه‌ی خود باعث گسترده‌تر شدن حوزه‌ی تجربه‌ها و روابط اجتماعی آنان می‌شود.

مصاحبه‌شونده (۱۲): ((وقتی به یک‌پایه آموزش می‌دهم دانش‌آموزان پایه‌های دیگر بیکارند و معمولاً تکالیفی به آن‌ها می‌دهم تا با نظارت خلیفه یا معلم یار انجام دهند، گاهی از دانش‌آموزان توانمند می‌خواهم تا به دانش‌آموزانی که در یادگیری مطلبی مشکل دارند، آموزش دهند، درواقع راهی جز این ندارم)).

مصاحبه‌شونده (۱۷): ((دانش‌آموزان مهم‌ترین و در دسترس‌ترین افرادی هستند که می‌توانند در مدیریت کلاس و آموزش به یکدیگر کمک کنند، گاهی پس از تدریس، متوجه می‌شوم که دانش‌آموزان، نتوانستند به اهداف موردنظر دست یابند، مطالب را یاد نگرفتند، از طریق آموزش دانش‌آموزان دیگر به‌راحتی مطالب جدید را یاد می‌گیرند و گاهی شگفت‌زده می‌شوم)).

۳. شایستگی‌های معلم چندپایه:

معلم چند پایه به شایستگی‌هایی فراتر از شایستگی‌های مورد نیاز معلم تک پایه نیاز دارد. این مهم مورد تأکید بیشتر مصاحبه‌شونده‌ها نیز بوده است. آنها براین باورند که تجارب آنها نشاندهنده ضرورت وجود شایستگی و توانایی‌های خاصی است که باعث می‌شود معلم در مدیریت کلاس چندپایه و به‌ویژه چالش اصلی آن مدیریت زمان در اختیار موفق عمل کند. مضامین مورداشاره مصاحبه‌شونده‌ها حاکی از چند شایستگی ویژه است.

۳-۱. دانش عملی: دانش عملی، دانشی است که از دانش نظری ناظر به تدریس متفاوت است. دانش عملی موردنظر در این اینجا، دانشی است که از عمل تدریس در کلاس‌های

چندپایه برمی خیزد. بدون این دانش عملی امکان مدیریت زمان برای معلم به‌سختی میسر است با عمل تدریس در چندپایه است که معلم دانش عملی لازم برای مدیریت فرایند یاددهی - یادگیری یک کلاس به دانش‌آموزان بیش از یک‌پایه را کسب می‌کند هنگامی که یک معلم تازه‌کار، خود را در موقعیتی قرار می‌دهد تا در یک مدرسه‌ای که آموزش در کلاس‌های چندپایه سازمان‌دهی شده است، کار کند، او با مشکلات فراوانی از جمله؛ چگونگی تهیه یک برنامه آموزشی سالانه، طرح درس چندین پایه، نحوه آمادگی برای کار در کلاس چندپایه، و مدیریت زمان آموزش و موارد دیگر مواجه می‌شود زیرا دانش عملی حرفه‌ای برای تدریس هم‌زمان چندین پایه در یک کلاس را ندارد و آموزش‌های قبلی او به فرض وجود داشتن جنبه نظری داشته و او آمادگی عمل تدریس چندپایه را ندارد و نمی‌تواند در کلاس چندپایه آموزش دهد. اگر معلم شایستگی‌های لازم برای مدیریت کلاس و تدریس به دانش‌آموزان چندین پایه را کسب نکرده باشد، نمی‌تواند به‌درستی زمان را مدیریت کند زیرا؛ ابتدا باید خود را از جنبه‌های مختلف آماده کند سپس به آموزش بپردازد به همین دلیل زمان زیادی تلف می‌شود. معلمان پس از سال‌ها تجربه عملی آموزش به چنین دانشی دست می‌یابند. آنان تأکید داشتند بدون داشتن چنین دانشی قادر به تدریس نخواهند بود. این معنا از بیانات مصاحبه‌شونده‌ها قابل استنتاج که به دو نمونه از آنها اشاره می‌شود.

معلم شماره (۵): سال اول بدون هیچ آموزشی در زمینه کلاس‌های چندپایه، تدریس به یک کلاس ۵ پایه را به من سپردند؛ وقتی گفتند باید در هر روز به دانش‌آموزان پنج‌پایه آموزش دهید، تعجب کردم. شب و روز خواب نداشتم، سردرگم بودم، از معلمان روستاهای هم‌جوار پرسیدم، کمی برایم توضیح دادند. تمام کتاب‌های پنج‌پایه را گرفتم و برای همه آنها برنامه‌ریزی کردم اما هیچ‌وقت نتوانستم با برنامه پیش بروم.

۳-۲. توانایی درگیر سازی هم‌زمان دانش‌آموزان پایه‌های مختلف:

بیش‌ترین مسئولیت یک معلم برای روان کردن دانش‌آموزان به‌سوی مقاصد یادگیری است. درگیری سازی یعنی پیشنهاد فعالیت یادگیری جلب‌توجه و علاقه دانش‌آموزان به انجام درست آن فعالیت است. این مسئولیت برای یک معلم چندپایه از حساسیت بیشتری برخوردار است؛

تحلیل تجارب معلمان در مورد عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت ...

زیرا مسئولیت یک معلم چندپایه در برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت طیف وسیعی از فعالیت‌های متناسب با هر پایه و درگیرکردن دانش‌آموزان در فعالیت‌های یادگیری است. در واقع چالش اصلی برای معلم چندپایه این عنصر هم‌زمانی درگیرسازی دانش‌آموزان چندپایه و چند موضوع درسی متنوع است. معلم لاجرم با در یک‌لحظه زمانی خاص با دانش‌آموزان یک‌پایه تعامل داشته باشد. از این رو باید برای سایر دانش‌آموزان پایه‌های دیگر نیز فعالیتی در نظر گیرد. چون آنها نمی‌توانند بیکار بنشینند زیرا به احتمال زیاد آنها نظم کلاس را به هم می‌زنند و معلم زمان زیادی برای برقراری نظم هدر می‌دهد اما در صورتی که کیفیت فعالیت‌ها به گونه‌ای باشد که آنها را درگیر و مشغول نگه دارد معلم فرصت پیدا می‌کند تا بدون دغدغه به آموزش پایه مورد نظر بپردازد. بنابراین دانش‌آموزان در زمانی که تحت آموزش مستقیم معلم نیستند به فعالیت‌هایی چون؛ انجام تکالیف، گوش دادن به تدریس معلم، انجام کارهای هنری و انجام فعالیت‌های ورزشی مشغول می‌شوند. این مهارت از کلیدی‌ترین مهارت‌های معلم چندپایه است که با مدیریت زمان ارتباط دارد. رهاسازی دانش‌آموزانی که هدف تدریس معلم در یک‌زمان مشخص نیستند به آشفته‌گی و موقعیت یادگیری می‌انجامد. از فحوی سخنان مصاحبه‌شونده‌های زیر چنین مضمونی استنباط می‌گردد.

مصاحبه‌شونده (۱): «چون چهارپایه دارم و نمی‌توانم هر جلسه به همه آن‌ها آموزش دهم، باید متناسب با شیوه اداره کلاس و روش‌های تدریس، به دانش‌آموزان یک‌پایه اگر شیوه کار من محوری باشد آموزش دهم، دانش‌آموزان سه‌پایه دیگر باید در فعالیت‌های معنی‌دار درگیر شوند تا هم مشغول انجام فعالیت‌های یادگیری شوند و هم تمرکز حواس من و دانش‌آموزانی که در محور تدریس نیستند را به هم نزنند. حتی اگر شیوه تدریس من تلفیقی باشد یک یا دوپایه هم در محور تدریس قرار نمی‌گیرند و نمی‌توانند بیکار در کلاس بنشینند بلکه باید همواره مشغول باشند».

مصاحبه‌شونده (۱۴): «کلاس من در یک اتاق تشکیل می‌شود، نه تنها جایی برای وسایل آموزشی ندارم بلکه آموزش و پرورش هم هیچ وسیله‌ای هم به ما ندادند بلکه ما با کمک والدین و دانش‌آموزان برای تدریس موضوعات مختلف وسایلی را بدون پرداخت هزینه تهیه می‌کنیم وقتی در تدریس استفاده کردیم دور می‌ریزیم اما چند روز بعد متوجه موزه که به آن وسیله نیاز داریم، دوباره دنبال آن وسیله می‌گردیم».

۳-۳. توانایی تدوین طرح درس تلفیقی

هم‌زمانی درگیرسازی دانش‌آموزان برای مدیریت زمان در اختیار مستلزم یک پیش‌بینی و تمهید است. این تمهیدات برای درگیرسازی هم‌زمان در قالب طرح و نقشه‌ای از پیش تعیین‌شده (البته نه کاملاً مشخص و بسته‌شده) است. به سخن دیگر طرح درس معلم چندپایه با معلم تک‌پایه متفاوت است. تهیه طرح درس این‌چنینی که در هر جلسه برای چندین پایه کاری پیچیده است زیرا ساختار موضوعات گوناگون برنامه‌درسی متفاوت است. موضوعاتی وجود دارد که ساختارشان تا حدود زیادی ماهیت عمودی و سلسله‌مراتبی دارد به‌طوری‌که تدریس و یادگیری هر مفهوم به یادگیری مفاهیم قبلی در دروس پایه‌های قبلی بستگی دارد و همچنین پس از تدریس هر مفهومی، مفهوم دیگری عرضه می‌شود. مفاهیم ریاضیات و فارسی نمونه‌های روشنی از این نوع موضوعات درسی هستند. دروس دیگری مانند؛ هنر، انشا و مطالعات اجتماعی در پایه‌های مختلف وجود دارند که ساختارشان چندان سلسله‌مراتبی و عمودی نیستند و چندان به یکدیگر مرتبط نیستند. تنظیم طرح درس برای دروس مرتبط و نامرتب و دارای ارتباط افقی و عمودی کار پیچیده‌ای است و نیاز به دانش موضوعی، مهارت و صبر و حوصله دارد که معلمان کلاس‌های چندپایه باید مهارت‌های لازم را داشته باشند. معلمان نسبت به تلفیق موضوعات درسی مشابه و متفاوت، حداکثر در سه پایه نظر مثبتی داشتند و از تلفیق دروس مختلف در کلاس‌های چندپایه برای مدیریت زمان استفاده می‌کنند.

معلم شماره (۳): معلم کلاس چندپایه باید در هر جلسه بتواند برای همه پایه‌ها طرح درس آماده کند و بدون داشتن طرح درس فرایند یاددهی - یادگیری متوقف می‌شود؛ من که پنج‌پایه دارم، آماده کردن طرح درس در هر جلسه برای پنج‌پایه نیاز به تفکر و تأمل و مطالعه دروس هر جلسه دارد و این کار وقت زیادی از من می‌گیرد. در سال‌های اول خیلی اذیت می‌شدم و هر جلسه تحت فشارهای روحی و روانی زیادی بودم حالا که تجربه زیادی کسب کردم، کمی بهتر است البته نه این‌که کارم آسان است. به‌مرورزمان و تدریس مداوم تجربه کسب کردم و می‌دونم چگونه باید برنامه‌ریزی کنم. بیشتر مواقع از طرح درس تلفیقی یا ترکیبی استفاده می‌کنم. یعنی موضوعات مشابه پایه‌های نزدیک به هم را شناسایی می‌کنم و در جلسه تدریس می‌کنم.

تحلیل تجارب معلمان در مورد عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت ...

۳-۴. آگاهی تسلط کافی بر گستره دانش موضوعی در چندپایه:

معلمان کلاس‌های چندپایه داشتن دانش موضوعی در پایه‌های مختلف را امری ضروری می‌دانند. شاید این موضوع امری بدیهی برای کی معلم شمرده شود. اما معلمان چندپایه بر اساس تجارب خود آگاهی از متن و محتوای درس‌ها در دروس پایه‌های مختلف را راهی برای مدیریت زمان یاددهی-یادگیری قلمداد نمودند زیرا وقتی معلم بر محتوای مواد درسی تسلط نداشته باشد زمان بیش‌تری را جهت آموزش مستقیم صرف می‌کند. آنچه اهمیت دارد و این مقوله بر آن اشارت دارد تسلط بر گستره دانش موضوعی است که باعث می‌شود معلم در آن واحد برای دانش‌آموزان چندپایه بدون تأمل و مراجعه به منابعی به تدریس مباحث اقدام نماید.

مصاحبه‌شونده (۱۳): «تسلط معلم بر محتوای مواد درسی پایه‌های مختلف و آگاهی وی از روش‌های تدریس، استفاده از معلم یار و جامعه محلی می‌تواند در مدیریت زمان یادگیری مؤثر باشند، وقتی معلم بر محتوای دروس مختلف در چندین پایه تسلط نداشته باشد، فرایند تدریس به هر پایه زمان بیش‌تری را به خود اختصاص می‌دهد بدین طریق معلم با کمبود وقت مواجه می‌شود». مصاحبه‌شونده ۱۸: «معلم کلاس چندپایه نمی‌تواند در طول سال از یک برنامه ثابت استفاده کند بلکه برنامه‌ریزی درسی در کلاس چندپایه باید قابل انعطاف و تغییرپذیر باشد. مدیریت زمان با داشتن؛ برنامه‌درسی متغیر، طرح درس پویا و منعطف امکان‌پذیر است».

مصاحبه‌شونده (۱۶): «هرچند مطالعه پنج موضوع از چند ماده درسی در هر جلسه و نوشتن طرح درس برای پنج‌پایه در هرروز کاری وقت‌گیر و طاقت فرساست اما بدون طرح درس، معلم سردرگم می‌شود، گاهی متوجه می‌شود که در مدت سه روزه دانش‌آموزان یک‌پایه آموزش نداده است، برخی از دانش‌آموزان نگرانی خود را از این‌که کم‌تر به آن‌ها آموزش می‌دهم اعلام می‌کنند. من سعی می‌کنم قبل از ورود به کلاس، فعالیت‌های هرروز را خیلی مختصر یادداشت کنم و این یادداشت‌ها به مدیریت یاددهی-یادگیری به من کمک می‌کنند».

۳-۵. توانایی یادگیری از جامعه محلی: یکی دیگر از عواملی که در مدیریت زمان به معلم کمک می‌کند توانایی بهره‌گیری موقعیت‌های جانبی مدرسه است. در محیط‌های روستایی و کم جمعیت می‌توان موقعیت‌ها و فرصت‌هایی یافت که از آن در راستای بهبود یادگیری

دانش‌آموزان و مدیریت زمان بهره برد. از قبیل همکاری جامعه محلی در زمینه تدریس، اشاعه تجربیات خود به دانش‌آموزان و انجام فعالیت در خارج از کلاس بدون حضور معلم است. معلم در هر جلسه و گاهی در هر روز فرصت لازم را برای تدریس به همه پایه‌ها ندارد، بنابراین از جامعه محلی کمک می‌گیرد. جامعه محلی شامل کلیه کسانی است که در موقعیت کلاس‌های چندپایه زندگی می‌کنند. جامعه محلی دارای فرصت‌های زیادی است که می‌تواند یاریگر او در مدیریت زمان یادگیری باشد. حرفه‌های متفاوتی از جمله؛ دامدار، کشاورز و ... هستند که می‌توانند به شکل‌های مختلفی به معلم کلاس چندپایه کمک کنند یعنی آنها می‌توانند یاران معلم در تدریس شوند. موفقیت معلم در مدیریت زمان تدریس در کلاس چندپایه به شناخت جامعه محلی و آگاهی از دانش و مهارت‌های موجود در جامعه محلی و مشارکت‌جویی آنها بستگی دارد. وقتی یک نفر از جامعه محلی با اطلاع قبلی و مشورت با معلم به آموزش دانش‌آموزان یک‌پایه می‌پردازد، معلم فرصت پیدا می‌کند تا در همان زمان به آموزش دانش‌آموزان یک یا چندین پایه دیگر بپردازد.

مصاحبه‌شونده (۷): ((برخی از کلاس‌های چندپایه، در روستاهای کوچک واقع شده‌اند که هیچ‌کدام از منابع موجود در کلاس‌های تک‌پایه و وسایل آموزشی هم در کلاس چندپایه وجود ندارد. اما جامعه محلی منبع مهم و ارزشمندی هستند که در زمینه‌های مختلفی به معلم کمک می‌کنند و دانش‌آموزان می‌توانند با مدیریت و راهنمایی معلم به آنها مراجعه کنند و اطلاعات لازم را به دست آورند)).

مصاحبه‌شونده (۳): ((تسلط معلم بر محتوای مواد درسی پایه‌های مختلف، آگاهی از روش‌های تدریس، استفاده از معلم یار و جامعه محلی می‌تواند در مدیریت زمان یادگیری مؤثر باشد و با توجه به محدودیت‌های موجود کلاس‌های چندپایه، لازم است از دانش‌آموزان و جامعه محلی حداکثر بهره‌وری هوشمندانه و هدفمند را داشت)).

مقوله‌های سلبی

گروهی از مقولات با عدم حضورشان به بهبود مدیریت یادگیری کمک می‌کنند این مقولات را عوامل سلبی نام نهاده‌ایم. یعنی با حذف آنها از موقعیت‌های یادگیری در کلاس‌های چندپایه عملکرد معلم و دانش‌آموزان بهبود می‌یابد. عوامل سلبی عواملی هستند که زمان آموزش را

تحلیل تجارب معلمان در مورد عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت ...
هدر می‌دهند و بهره‌وری زمان در اختیار را کاهش می‌دهند. این عوامل عبارت انداز: ۱. ضعف دانش پیش‌نیاز دانش‌آموزان؛ ۲. تعدد وظایف و مسئولیت‌های معلم؛ ۳. تعداد زیاد پایه‌ها؛ ۴. فقدان وسایل آموزشی؛ ۵. عدم همکاری والدین

۱- **ضعف دانش پیش‌نیاز دانش‌آموزان:** در کلاس‌های چندپایه، به دلیل نداشتن معلمان باتجربه، عدم دسترسی به فناوری‌های نوین از جمله اینترنت، عدم دسترسی به کتابخانه، مجلات، روزنامه‌ها، دوزبانه بودن، بی‌سوادی یا کم‌سوادی والدین و حضور آن‌ها در صحنه‌های کار و تلاش در روستا، برخی از دانش‌آموزان، دانش و اطلاعات لازم را کسب نمی‌کنند، وقتی به مدرسه می‌آیند خزانه لغات بسیار کمی دارند.

مصاحبه‌شونده (۱): وقتی در ابتدای سال تحصیلی از دانش‌آموزان ارزشیابی اولیه انجام دادم متوجه شدم بسیاری از دانش‌آموزان در درس‌هایی مانند ریاضی و فارسی به شدت ضعیف هستند، برخی از آن‌ها در تمام درس‌های پایه قبلی ضعیف هستند و مجبور شدم مدت سه ماه کتاب‌های پایه پایین‌تر را آموزش دهم.

۲- **تعدد وظایف و مسئولیت‌های معلم:** اغلب معلمان کلاس‌های چندپایه مدیرآموزگار هستند و تمام کارهای اداری و آموزشی یک مدرسه عادی را به تنهایی انجام می‌دهند، برخی از آن‌ها به دلیل شرکت در دوره‌های آموزشی، مشکلات خانوادگی، دوری راه و مسافرت و رسیدگی به امور اداری مدرسه، نمی‌توانند در کلاس حاضر شوند و زمان آموزش هدر می‌رود و موجب نگرانی آن‌ها می‌شود. برخی دیگر در موقعیت کلاس خود بیتوجه کرده که باید به امور شخصی خود هم رسیدگی کند. تعدد وظایف و مسئولیت‌ها سبب می‌شود معلم با کمبود وقت مواجه شود و نتواند آموزشی با کیفیت ارائه دهد. معلم کلاس چندپایه به دلیل انجام هم‌زمان وظایف آموزشی و اداری مجبور می‌شود برخی از کارهای اداری را در کلاس انجام دهد، به والدین پاسخ دهد و حتی تکالیف و آزمون‌های دانش‌آموزان را در کلاس بررسی کند، انجام این امور موجب اتلاف زمان آموزش می‌شود.

مصاحبه‌شونده (۱۷): من تمام کارهای اداری و آموزشی مدرسه‌ام را انجام می‌دهم حتی کلاس‌ها را جارو می‌کنم، چون منزل مجردی دارم باید آشپزی کنم و در مدرسه و حتی منزل فرصت استراحت ندارم. هر لحظه نگرانم که نکند کارهای مدرسه عقب بماند.

مصاحبه‌شونده (۱۱): ۱۴ دانش‌آموز در شش پایه دارم. گاهی والدین دانش‌آموزان جهت دریافت گواهی اشتغال به تحصیل به مدرسه می‌آیند؛ چون معمولاً در کلاس و در حال آموزش هستیم و هنگام تدریس درخواست خود را مطرح می‌کنند. نمی‌توان آن‌ها را معطل گذاشت و به‌مجبور می‌شوم به همه پایه‌ها تکلیف بدهم و یکی از دانش‌آموزان را خلیفه تعیین می‌کنم و به دفتر می‌روم و کارش را انجام می‌دهم. گاهی درباره مشکلات خود و خانواده‌اش صحبت می‌کند و یک ساعت از وقت آموزش هدر می‌رود.

۳- تعداد زیاد پایه‌ها: کلاس‌های چندپایه از دو تا شش پایه را شامل می‌شود و اغلب بیش از دو پایه هستند. کلاس تک پایه در طول هفته (۲۵) ساعت آموزش می‌دهد و کلاس چندپایه با هر تعدادی که باشد همان (۲۵) ساعت را باید به چندین پایه آموزش دهد. اگر شش پایه داشته باشد برخلاف کلاس‌های عادی که هر پایه به‌طور مجزا ۲۵ ساعت دارد؛ اگر شش پایه داشته باشد باید به‌جای ۱۵۰ ساعت؛ ۲۵ ساعت را بین شش پایه تقسیم کند به‌گونه‌ای که در پایان سال تحصیلی هم‌زمان با کلاس‌های عادی سال تحصیلی را با آموزش تمام دروس به پایان برساند.

مصاحبه‌شونده (۵): من پنج پایه دارم. هر پایه بیش از ۱۱ عنوان درسی دارند که باید آموزش داده شوند. گاهی تدریس یک موضوع به یک پایه یک جلسه کامل طول می‌کشد و گاهی در طول سه روز نمی‌توانم به سه پایه آموزش دهم. به همین جهت برخی از اولیا اعتراض می‌کنند که سه روزه فرزندشان به‌طور مستقیم تدریس نکردم.

۴- کمبود وسایل کمک آموزشی: تدریس چندپایه شکل خاصی از تدریس است و معلمان برای به حداکثر رساندن زمان یادگیری دانش‌آموزان، به کمبود وسایل کمک آموزشی بیش‌تری نسبت به آموزش در درس‌های تک پایه نیاز دارند؛ زیرا مهم‌ترین مشکل این کلاس‌ها کمبود وقت برای تدریس به همه پایه‌ها است. مواد و وسایل آموزشی یادگیری را آسان‌تر و سریع‌تر می‌کند و معلم نیاز به تکرار در ارائه مطالب ندارد و زمینه برای آموزش به سایر پایه‌های دیگر فراهم می‌شود. اغلب این کلاس‌ها کوچک و در مدارس دورافتاده، گلی، خشتی، چادری و کانکسی تشکیل می‌شوند، سرایدار هم ندارند و در نبود معلم کسی نیست که از اموال این کلاس‌ها مواظبت کند؛ بنابراین بسیاری از آن‌ها مواد و وسایل آموزشی و همچنین امکانات موردنیاز این کلاس‌ها را ندارند.

تحلیل تجارب معلمان در مورد عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت ...

مصاحبه‌شونده (۱۶): کلاس من در حاشیه شهر است، یک اتاق بیش‌تر ندارد و جایی برای نگهداری وسایل کمک‌آموزشی وجود ندارد. چون فضای کلاس کوچک است هر وسیله‌ای می‌سازم یا تهیه می‌کنم بعد از آموزش دور می‌اندازم. بنابراین باید هر روز بخشی از وقت خود را به تهیه وسایل آموزشی صرف کنم.

۵- **عدم همکاری والدین:** برخی از والدین به دلایل گوناگونی از جمله: کم‌سواد یا بی‌سواد، ناآگاهی از روش‌های تدریس و یادگیری نمی‌توانند به پیشرفت تحصیلی فرزندان خود کمک کنند بسیاری از والدین از روش‌های تغییر رفتار و روش‌های تربیت آگاهی چندانی ندارند، ممکن است تعداد اندکی از آن‌ها تحصیلات بالایی نیز داشته باشند اما در این زمینه اطلاعات کافی نداشته باشند. در برخی از مناطق روستایی به علت وجود مراتع وسیع حاصلخیز، دامداری و کشاورزی اجازه نمی‌دهند فرزندان خود به کلاس بیایند زیرا به آن‌ها کمک می‌کنند. وقتی والدین نتوانند به پیشرفت تحصیلی فرزندان خود کمک کنند، معلم مجبور می‌شود وقت بیشتری برای آموزش هر پایه اختصاص دهد. همکاری والدین و رسیدگی به وضعیت تحصیلی فرزندان خود در مدیریت و استفاده بهینه زمان به معلم کمک می‌کند.

مصاحبه‌شونده (۶): دانش‌آموزان مکرر غیبت می‌کنند، وقتی هم می‌پرسم چرا کلاس نیامدید می‌گویند به پدرمان کمک می‌کردیم. بنابراین والدین نه‌تنها به پیشرفت تحصیلی فرزندان خود کمک نمی‌کنند بلکه مانع تحصیل آن‌ها می‌شوند. دانش‌آموزی که بیش از دو روز غیبت می‌کند؛ می‌روم خانه‌شان و از والدینشان خواهش می‌کنم تا فرزند خود را به مدرسه بفرستند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت زمان یاددهی-یادگیری بر اساس تجارب معلمان کلاس‌های چندپایه است. واقعیت این است که کلاس‌های چند پایه با کلاس‌های تک پایه تفاوت اساسی دارد. لذا نوع مدیریت یاددهی یادگیری این کلاس‌ها نیز متفاوت خواهد بود. محققین عموماً به صورت ضمنی و آشکار بر این تفاوتها تأکید داشته‌اند از جمله هری بیاهامر و هشرا^۱ (۲۰۱۵) در تحقیق خود تحت عنوان: مطالعه روش‌های تدریس چندپایه در کشورهای اتریش و فنلاند» به این نتیجه رسیدند که راهبردهای تدریس در

کلاس‌های چندپایه به‌طور گسترده‌ی متفاوت بود و به شخصیت معلم، موضوعات و موقعیت‌های تدریس ارتباط داشتند. همچنین نتایج تحقیقات در هر دو کشور نشان داد که راهبردهای تدریس متنوع در کلاس‌های چندپایه در مدارس کوچک استفاده می‌شود اما روش تدریس شاگرد به شاگرد در کلاس‌های چندپایه رایج‌تر است. شاید کلیدی‌ترین و چالشی‌ترین ویژگی کلاس چند پایه بحث زمان است. سکولاین^۱ (۲۰۱۵) معلمان کلاس‌های چندپایه با چالش‌های بسیاری از جمله کمبود وقت، آموزش ناکافی و فقدان درک جامعه رو به رو می‌شوند. کاین^۲ (۲۰۰۴) مطالعه‌ای پژوهشی با ۷۵ معلم چندپایه انجام داد و دریافت که ۷۰٪ معلمان نگران کمبود زمان برای تدریس بودند. درحالی‌که تحقیقات نشان داده است مهم‌ترین مشکل معلمان کلاس‌های چندپایه کمبود وقت است و افزایش این کلاس‌ها در کشور ما ایجاب می‌کند تا عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت زمان یاددهی-یادگیری مورد بررسی قرار گیرد تا بدین طریق، بتوان گام‌های مؤثری در بهبود کیفیت عملکرد این کلاس‌ها برداشته شود. نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان داد که بر اساس تجارب زیسته معلمان کلاس‌های چندپایه؛ عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت زمان یاددهی-یادگیری در این کلاس‌ها را می‌توان در دودسته عوامل ایجابی و عوامل سلبی گروه‌بندی کرد.

از مقولات مهمی که در این پژوهش در راستای مدیریت زمان در کلاس‌های چند پایه به آن اشاره شده است مدیریت فضای کالبدی است که در آن به دو خرده مقوله انعطاف در چینش دانش‌آموزان و متنوع سازی در بهره‌گیری از ظرفیت‌های فضای کالبدی است. فضای کالبدی بستر و زیر ساخت وقوع تجربه‌های یادگیری‌های رسمی و برنامه‌ریزی شده است از این رو به نحو ویژه در بافت کلاس‌های چند پایه لازم است به چینش معلم و بهره‌گیری بهتر از فضا و امکانات تنوع نمود. به طور کلی سازمان‌دهی کلاس درس شامل جنبه‌های مانند آرایش فیزیکی نشستن، تنظیم موقعیت کار دانش‌آموزان، فضای کافی در کلاس درس برای انجام فعالیت‌ها، کتابخانه‌های موجود در کلاس درس و دو یا چندتخته است. همه این جنبه‌ها برای تدریس همزمان به پایه‌های مختلف در یک کلاس درس مهم و ضروری است. از آنجا

1. Saqlain
2. Kyne

تحلیل تجارب معلمان در مورد عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت ... که محیط یادگیری از منظر فیزیکی در کلاس‌های چند پایه متنوع و متفاوت است به کارگیری این راهکار برای مدیریت زمان نیازمند خلاقیت و ابتکار معلم است. این معنا در تحقیقات دیگر نیز مورد تأکید قرار گرفته است. باندى^۱ اشاره می‌کند که بی‌تردید سازمان‌دهی کلاس‌های چندپایه به مراتب حساس‌تر از سازمان‌دهی کلاس‌های عادی است به طوری که توانایی معلمان جهت برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی کلاس‌های چندپایه، مهم‌ترین عامل موفقیت آن‌ها است (باندى، ۱۹۸۰). نکرو^۲ نیز در پژوهش خود به این معنا اذعان دارد که هرچند اغلب فضاهاى کالبدی این کلاس‌ها نامناسب است اما یک فضای کاری بیرون کلاس، با تخته‌سیاه و میزها و صندلی‌ها نیز می‌تواند برای مدیریت زمان یاددهی-یادگیری مناسب باشد زیرا بعضی کلاس‌های چندپایه فضای کافی ندارند. یک تخته سیاه بر روی دیوار مقابل دید معلمان در انعطاف تنظیم و حرکت گروه‌های مختلف کمک می‌کند (نکرو، ۲۰۱۴).

تنوع بخشی به راهبردهای تدریس مورد استفاده یکی دیگر از مقولات به دست آمده است. در تحقیقات کشورهای دیگر نیز محققان بر این موضوع اشاره نموده‌اند: مثلاً سبن^۳ چنین اظهار می‌دارد که تنوع بخشی در بهره‌گیری از راهبردهای مختلف تدریس باعث کاهش زمان یاددهی-یادگیری می‌شود (سبن، ۲۰۱۵). محقق دیگر اظهار می‌کند که موفقیت آموزش چندپایه به اجرای راهبردهای تدریس موفق بستگی دارد (سکلین^۴، ۲۰۱۵) این مقوله در بافت کلاس چند پایه نیز به نحو خاصی بروز می‌کند. در بافت کلاس چند پایه افزون بر تنوع افراد که در کلاس‌های معمولی نیز وجود دارد گوناگونی پایه‌ها و سطح رشد و محتوا و اهداف متفاوت نیز وجود دارد. لذا این تنوع بخشی در بافت مدارس چندپایه معنی متفاوت‌تری پیدا می‌کند این تنوع بخشی باید به گونه‌ای باشد که به معلم کمک کند تا با چالش زمان بهتر مقابله کند. از این رو راهبرد خودآموزی در این تحقیق به عنوان یک راهبرد موثر در کلاس‌های چندپایه قلمداد شد؛ به علت کمبود زمان، و حساسیت مدیریت آن در موقعیت کلاس چندپایه می‌توان به دانش‌آموزان مسئولیت‌هایی برای ارزیابی از عملکرد خود (خودسنجی) و برنامه‌ریزی برای یادگیری خودشان (خودآموزی) سپرد که به آنان امکان می‌دهد تا یادگیری

1. Bandy
2. Nkoro
3. Seban
4. Saqlain
۱۶۵

خود را مدیریت کننده و بهبود دهند. این راهبرد افزون بر کاهش مسئولیت‌های معلم کسب توانایی استقلال در یادگیری دانش‌آموزان کمک بسیاری می‌کند. به سخن دیگر این راهبرد هر چند در مدیریت زمان بسیار اثرگذار است اما نتیجه و پیامد ارزشمند تربیتی نیز به دنبال دارد.

یادگیری دانش‌آموزان از همدیگر و سنجش متقابل عملکرد همدیگر از راهبردهای مورد تاکید در منابع پداگوژیکی جدید است. یکی از مؤلفه‌های تعامل حرفه‌ای در کلاس‌های چندپایه، دانش‌آموزان هستند، آنان می‌توانند نقش معلم را در کلاس اجرا کنند. تدریس شاگرد به شاگرد علاوه بر نظریه ساخت‌گرایی ریشه در نظریه‌ی رشد شناختی ویگوتسکی (۱۹۷۱) هم دارد. زیرا در این نظریه تأکید شده است که معلمان باید در کلاس درس از دانش‌آموزان و دوستان تواناتر بخواهند تا در موضوعاتی که بر آن‌ها تسلط دارند، دوستان نیازمند کمک را یاری دهند، آنان را تشویق کنند تا با همیاری یکدیگر و به صورت مشارکتی به یادگیری بپردازند و از روش آموزش دوجانبه که در آن به‌نوبت معلم و شاگردان نقش آموزگار و دانش‌آموز را ایفا می‌کنند، استفاده کنند (سیف، ۱۳۹۲). آموزش شاگرد به شاگرد فرایندی است که در آن افرادی از گروه‌های اجتماعی که معلم نیستند در یادگیری به همدیگر کمک می‌کنند و خودشان از طریق آموزش به یکدیگر یاد می‌گیرند. به عبارت دیگر، آموزش شاگرد به شاگرد از یادگیری تعاملی، ارادی و سیستماتیک حمایت می‌کند. آموزش شاگرد به شاگرد می‌تواند ثابت باشد یعنی نقش‌ها ردوبدل نشوند یا متغیر باشد و نقش‌ها عوض شوند (تاپینگ، ۲۰۰۰ نقل از عابدینی و مرتضوی زاده، ۱۳۹۷). در راستای مدیریت زمان در کلاس‌های چند پایه به‌کارگیری راهبرد دیگر آموزی یا تدریس شاگرد به شاگرد و همسال سنجی^۱ بی‌تردید می‌تواند در مدیریت زمان موثر باشد. این راهبرد نیز برای معلم این امکان را فراهم می‌آورد که بخشی از مسئولیت خودش را به گروه‌هایی از دانش‌آموزان واگذار نماید و از وقت ذخیره شده برای مدیریت و راهنمایی دیگر گروه‌ها بهره بگیرد. این راهبرد افزون بر افزایش کارایی و بهره‌وری معلم به ارتقا توانایی مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان منجر خواهد شد. این یافته پژوهش نیز در تحقیقات دیگران مورد توجه قرار گرفته و سایر متخصصان پداگوژی

تحلیل تجارب معلمان در مورد عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت ...
کلاس‌های چندپایه بر آن اذعان دارند. به اعتقاد کرنیش^۱ (۲۰۰۶) در کلاس‌های چندپایه آموزش تدریس شاگرد به شاگرد معمول است، به این معنی که دانش‌آموزان به‌سادگی به یکدیگر کمک می‌کنند. در بیش‌تر موارد، معلمان به موقعیت‌هایی اشاره کردند که در آن دانش‌آموزان به دانش‌آموزان دیگر در کلاس خود کمک کردند.

دانش عملی معلم، مقوله دیگری است که در این تحقیق اهمیت آن نشان داده شد. دلالت این یافته چنین است که پداگوژی ویژه‌ای برای کلاس‌های چندپایه نیاز است که با وجود شباهت‌هایی که با پداگوژی کلاس‌هایی معمول دارد از تفاوت‌های درخور تامل و حساسی نیز برخوردار است. از این رو یک معلم چندپایه باید به این پداگوژی مسلط شود در غیر این صورت موفقیت‌چندانی نصیبش نخواهد شد. حساسیت موضوع به عدالت بر می‌گردد. به این معنا که تسلط و آمادگی معلمان ویژه چندپایه یک ضرورت انکار‌نشدنی برای تحقق دسترسی برابر به فرصت‌های با کیفیت آموزشی (عدالت) است. در نظر نگرفتن این معنا خدشه‌ای بر مقام منبع عدالت خواهد بود. چنین نکته مهمی نیز مورد تأکید متخصصان امر واقع شده است. نکرو بیان می‌دارد که تدریس چندپایه، در صورتی یک ابزار آموزشی خوب به شمار می‌رود، که به‌خوبی توسط معلمان انجام گیرد و معلمان نیز به‌خوبی آموزش داده و همچنین از مهارت‌های مورد نیاز این کلاس‌ها برخوردار باشند (نکرو، ۲۰۱۴). آینا^۲ (۲۰۰۱) توضیح می‌دهد که اجرای موفقیت‌آمیز آموزش چندپایه نیاز به مدیریت زمان، انعطاف‌پذیری و آموزش عملی معلم دارد، آمادگی حرفه‌ای معلم سبب می‌شود تا از زمان در دسترس به‌خوبی استفاده نماید. به نظر می‌رسد.

سر آغاز یادگیری درگیر شدن است و به همین سان سرآغاز یاددهی، درگیر سازی با موضوعات یادگیری است. به دلیل ویژگی کلاس‌های چندپایه درگیر سازی برای یاددهی به شکل ویژه‌ای نیز باید نمود پیدا کند. از دیگر یافته‌های این پژوهش درگیر سازی همزمان دانش‌آموزان پایه‌های مختلف است. توانایی درگیر سازی همزمان دانش‌آموزان پایه‌های مختلف یکی از عواملی است که باعث مدیریت زمان می‌شود. این یکی از مهارت‌های پیچیده برای پداگوژی چند پایه است که معلم با ارائه فعالیت‌های یادگیری که بتوانند به تنهایی یا گروهی

1. Cornish

2. Aina

انجام دهند بخشی از دانش‌آموزان را درگیر برای یادگیری کنند و همزمان خود با گروهی از دانش‌آموزان به نحو مستقیم کار کند. متخصصان پداگوژی کلاس‌های چندپایه نیز بر این نکته تاکید داشته‌اند. در گزارش یونسکو آمده است که بهترین استفاده از زمان در دسترس، درگیرکردن دانش‌آموزان در فعالیت‌های مختلف است، انتخاب و سازمان‌دهی فعالیت‌ها از شرایط لازم برای مدیریت کلاس درس چندپایه است (یونسکو، ۲۰۱۵).

مقوله دیگری که در این پژوهش برای پژوهشگران اشکار گردیده است؛ توانایی تدوین طرح درس تلفیقی است. گاهی معلم با تلفیق موضوعات درسی دو یا سه‌پایه، به‌طور هم‌زمان آموزش می‌دهد، اجرای این عمل موجب استفاده مفید از زمان می‌شود. تلفیق به معنای در هم آمیختن و ارتباط دادن حوزه‌های محتوایی است که غالباً مجزا از یکدیگر در برنامه درسی گنجانده می‌شود به‌عبارت‌دیگر، تلفیق به شیوه‌ای می‌گویند که در آن بخش‌های وابسته به هم در یک کل بزرگ‌تر مرتبط می‌شوند یا یک رابطه متوازن با یکدیگر برقرار می‌کنند (مهرمحمدی، ۱۳۸۹). این توانایی برای معلمان چندپایه و در راستای مدیریت زمان از حساسیت بالایی برخوردار است. زیرا با این کار معلم می‌توان چند موضوع را همزمان مطرح نماید و چند هدف از چند برنامه درسی مستقل را با هم پیگیری نماید. در این راستا به نظر می‌رسد تلفیق در دو شکل می‌تواند به کمک معلم بشتابد نخست تلفیق بین مضامین مشترک چندپایه است در این شکل معلم به گونه طرح درس را تنظیم می‌کند که یک مضمون مشترک را در سه سطح (پایه) ارائه می‌دهد و گاه این طرح درس تلفیقی از مضامین چند درس مختلف است که با همدیگر ارائه می‌شود. هنر معلم در این نوع طرح درس‌ها این است که فعالیت‌های طراحی کند تا در آن دانش‌آموزان در یک زمان با چند هدف درگیر شوند. از این رو در یک کلاس چندپایه یک طرح درس برای این که روشن کند معلم چگونه پایه‌های مختلف را اداره کند، اهمیت بیش‌تری دارد و گرانیگاه مدیریت درست و به‌بینه زمان خواهد بود.

آگاهی کافی معلمان بر گستره دانش موضوعی مقوله‌ای است که در این تحقیق به آن اشاره شده است. روشن است که آمادگی حرفه‌ای معلم سبب می‌شود تا بتواند زمان را مدیریت کند. همچنانکه در منابع علمی بیان شده است یکی از مهم‌ترین نشانه‌های آمادگی حرفه‌ای، تسلط بر محتوا است که ناظر به اطلاعات معلم در درسی است که تدریس می‌کند، به‌عنوان نمونه، اگر

تحلیل تجارب معلمان در مورد عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت ... او معلم علوم است به چه میزان از علوم شناخت دارد؟ تسلطش بر مفاهیم، نظریه‌ها و حقایق علوم تا چه حد است؟ (گری و سولتیس^۱، ۲۰۱۱ ترجمه نصر و همکاران، ۱۳۹۰). در کلاس-هایی که بیش از سه پایه وجود داشته باشند، معلم در هر روز باید مواد درسی متعدد و در سطوح مختلفی را آموزش دهد از این رو تسلط بر محتوای دروس پایه‌های مختلف سبب می-شود تا فرایند یاددهی-یادگیری با سرعت و دقت بیش‌تری انجام شود. این یکی از ویژگی‌های پداگوژی چند پایه است.

توانایی معلم در یارگیری از جامعه محلی به عنوان یکی از توانایی‌های مهم در تحقق پداگوژی چندپایه با محوریت استفاده بهینه از زمان است در این تحقیق مورد تاکید است. یارگیری از جامعه محلی می‌تواند در مدیریت کلاس درس نقش به‌سزایی داشته باشد و مدیریت کلاس درس توسط والدین می‌تواند زمان یاددهی-یادگیری را برای معلم ذخیره کند. توزیع مسئولیت مدیریت یاددهی بین اعضای جامعه و مشارکت طلبی معلم در این خصوص می‌تواند کلاس چندپایه را به کانون همدلی و همکاری جامعه محلی تبدیل کند درک و کمک جامعه برای موفقیت کلاس‌های چندپایه بسیار مهم است (سکلین^۲، ۲۰۱۵). اعضای جامعه محلی در زمینه‌های گوناگونی نظیر؛ آموزش به دانش‌آموزان، بررسی تکالیف آن‌ها، املا گرفتن، پرسش و پاسخ، نظارت بر آن‌ها، برگزاری مسابقات، جشن‌ها و مراسم‌ها می‌توانند همکاری می‌کنند. والدین و سایر افراد جامعه محلی می‌تواند در زمینه‌های مختلفی نظیر؛ نظارت بر کار دانش‌آموزان وقتی که معلم مشغول تدریس به گروه دیگری از دانش‌آموزان است، تشکیل گروه‌های کوچک، کمک کردن به دانش‌آموزان برای درک موضوع و تکمیل کردن تکالیف، نظارت بر انجام تکالیف منزل، تسهیل فعالیت‌های عملی مانند: باغبانی، ورزش، هنر، آموزش به دانش‌آموزان درباره‌ی فرهنگ و آداب و رسوم جامعه، جمع‌آوری اطلاعات در مورد پیشینه‌ی دانش‌آموزان و شناسایی مواد و وسایل آموزشی به معلم کمک کنند (ماتوت^۳، ۲۰۰۱). تأثیر مشارکت مدرسه، جامعه و خانواده بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، یک واقعیت شناخته‌شده است (ونتتر^۴، ۲۰۱۳).

-
1. Gary & Soltis
 2. Saqlain
 3. Mathot
 4. Venter

علاوه بر مقولات ایجابی که ماهیت آنها بستگی به وجودشان باعث افزایش و بهبود مدیریت زمان می‌شوند به همان سان مقولات دیگری در این پژوهش مورد تاکید است که فقدان آنها باعث بهبود مدیریت زمان می‌شود. یکی از این مقولات ضعف دانش پیش‌نیاز دانش‌آموزان می‌تواند در کاهش مدیریت زمان موثر باشد؛ زیرا معلم زمان زیادی را برای آموزش مفاهیم دروس پایه قبلی می‌پردازد و به همین علت زمان برای آموزش محتوای دروس پایه جدید کاهش پیدا می‌کند.

تعدد وظایف و مسئولیت‌های معلم یکی دیگر از مقوله‌های سلبی است که در این پژوهش به آن اشاره شده است. معلم کلید موفقیت تدریس چندپایه است (تلو و منسیویی، ۲۰۱۲) و یکی از نقش‌های اصلی معلم؛ مدیریت سنجیده، خردمندانه و مؤثر زمان کلاس درس است (نکرو، ۲۰۱۴) پس باید برنامه‌های ویژه چندین پایه را در موضوعات درسی مختلف، طراحی کند (مارکی - کین، ۲۰۰۷). معلم کلاس چندپایه نقش‌ها و مسولیت‌های چندگانه پرورشی، آموزشی، خدماتی، دفتری، اداری، عمرانی و مدیریت و رهبری را بر عهده دارد. انجام این وظایف زمان زیادی را می‌طلبد و باعث خستگی و سردرگمی معلم می‌شود و خود به خود زمان آموزش کاهش پیدا می‌کند (مرتضوی زاده، ۱۳۹۸).

تعداد زیاد پایه‌ها یکی دیگر از مقوله‌های سلبی است. در کلاس‌های چندپایه تعداد زیاد پایه‌ها سبب می‌شود تا معلم زمان آموزش را به تدریس دروس مختلف در چندین پایه تقسیم کند؛ طبیعی است که هر چه تعداد پایه‌ها بیشتر باشند، زمان برای آموزش هر درس در هر پایه کمتر است. همچنان که کش (۲۰۰۸) معتقد است تراکم تعداد دانش‌آموزان و پایه‌ها و همچنین حجم زیاد محتوای کتاب‌ها از مدت زمان تدریس و نظم و دقت در کار تدریس و یادگیری کم می‌کند.

یکی از این مقوله‌ها فقدان وسایل آموزشی که موجب کاهش زمان موثر هستند؛ آدنور^۲ (۲۰۱۱) فقدان منابع و مواد یاددهی - یادگیری را یکی از محدودیت‌های این کلاس‌ها می‌داند. اما شرایط این کلاس‌ها به گونه‌ای است که انواع مواد خام مانند جعبه‌های خالی،

1. Taole, & Mncube
2. Adanur

تحلیل تجارب معلمان در مورد عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت ...

قوטי‌ها، صدف‌ها، سنگ‌ها، چوب، دانه‌ها، حیوانات، حشرات، بطری‌ها و شن و ماسه، تلفن همراه، وسایل دورریختنی و طبیعت از دیگر وسایل آموزشی هستند که به‌آسانی در دسترس هستند و می‌توانند در فرایند آموزش به معلم کلاس چندپایه کمک کنند. مهم‌ترین وسایل آموزشی در مناطق دوردست در طبیعت یافت می‌شوند. برای مثال در درس ریاضیات می‌توان از شاخه‌های نازک درختان برای دسته‌بندی کردن اعداد و در درس علوم از گیاهان برای تدریس؛ ریشه، ساقه و برگ استفاده کرد. از وسایل دورریختنی مانند قوטי‌های کنسرو می‌توان برای تدریس حجم، اشغال کردن فضا و تغییر شیمیایی (زنگ زدن)، در تدریس استفاده نمود (مرتضوی زاده، ۱۳۹۸). موفقیت معلم به ایجاد کلاسی که به یادگیری با گسترش فعالیت‌های انگیزشی و هیجان‌انگیز از قبیل کار گروهی تا مطالعه مستقل منجر شود، وابسته است (یونسکو، ۲۰۱۵).

عدم همکاری والدین یکی دیگر از مقوله‌های سلبی است؛ بسیاری از والدین به دلایل گوناگونی از جمله کم‌سوادی یا بیسوادی، ناآگاهی از روش‌های تدریس و یادگیری نمی‌توانند به پیشرفت تحصیلی فرزندان خود کمک کنند. بیلر (۲۰۰۸) عدم حمایت والدین و نگرش منفی آنها نسبت به آموزش و پرورش را از محدودیت‌های کلاس‌های چندپایه می‌داند که همین امر موجب کاهش زمان آموزش می‌شود.

به نظر می‌رسد معلم چندپایه برای موفقیت در تدریس و مدیریت بهینه زمان در اختیار برای رساندن دانش‌آموزان به مقاصد آموزشی پداگوژی ویژه‌ای را باید دنبال کند. این پداگوژی ویژه مستلزم توانایی‌های ویژه‌ای است از جمله توانایی ارتباط با آحاد جامعه محلی و والدین، توانایی مشارکت طلبی در سطح جامعه محلی و خانواده‌ها و ایجاد محیط مشارکتی در کلاس درس است. به سخن دیگر وجه تمایز این پداگوژی وجه مشارکت جویی آن در ابعاد جامعه محلی، خانواده‌ها و کلاس درس است. مهارت‌های پداگوژی ویژه دیگر این که معلم بتواند دانش‌آموزان را درگیر درس کند. معلم چندپایه نیازمند خلاقیت ویژه‌ای برای استفاده از فضای کالبدی و امکانات محیطی است. هم‌چنین این پداگوژی می‌طلبد که معلم چندپایه دانش موضوعی متناسب یا محتوای چندپایه داشته باشد.

به طور کلی و بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان ادعا کرد که به‌کارگیری مقوله‌های ایجابی و حذف مقوله‌های سلبی از موقعیت‌های کلاس‌های چندپایه استخراج‌شده در این

پژوهش باعث بهبود کیفیت مدیریت زمان یاددهی-یادگیری در کلاس‌های چندپایه خواهد شد و می‌تواند اثربخشی فرایند یاددهی یادگیری را تضمین کرد. اساساً از مهم‌ترین یافته‌ها این است که شواهدی مهم دال بر صورت‌بندی پداگوژی ویژه‌ای به عنوان پداگوژی چندپایه ضرورت دارد. اگر پداگوژی را دانش و توانایی آموزش تعریف کنیم. می‌توان گفت معلمی کلاس‌های چندپایه مستلزم دانش و توانایی ویژه (پداگوژی چندپایه) است که از مهم‌ترین مولفه‌های آن عبارتند از:

- توانایی شناسایی ظرفیت‌های فضای کالبدی کلاس و مدرسه برای بیشترین بهره‌برداری از آن ظرفیت‌ها
- توانایی به کارگیری راهبردهای مشارکتی از نوع خودآموزی و دیگرآموزی و چگونگی توسعه مهارت‌های خودراهبری و هم‌راهبری یادگیری
- توانایی خلاقیت در چگونگی استفاده از وسایل و اشیا مختلف در محیط برای آموزش مضامین درسی
- توانایی مشارکت‌طلبی از جامعه محلی و خانواده‌ها، ظرفیت‌های جامعه محلی و بهره‌مندی از آنها در جهت توسعه و بهبود یادگیری دانش‌آموزان
- توانایی طراحی طرح درس تلفیقی
- توانایی درگیری سازی همزمان دانش‌آموزان چند پایه

از این رو پیشنهاد می‌شود بر اساس یافته این تحقیق در تالیف کتاب‌های درسی مدیریت آموزش در کلاس‌های چند پایه و آموزش‌های ویژه برای معلمان دوره ابتدایی در دانشگاه‌ها و آموزش‌های ضمن خدمت برای آماده‌سازی و ارتقا حرفه‌ای آنها، بر روی این مقولات تحت عنوان پداگوژی چند پایه اهتمام صورت گیرد تا معلمان برای کلیدی‌ترین چالش کلاس‌های چند پایه یعنی بهره‌وری بهینه از زمان در اختیار آمادگی لازم را کسب نمایند.

همچنین بر اساس مقولات سلبی یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود که در ساختار اداری مدیریت مناطقی که به اندازه کافی کلاس چندپایه دارند؛ دفتر و بخشی برای پایش و مراقبت از این کلاس‌ها ایجاد شود. این کار باعث توسعه عدالت آموزشی خواهد شد. این واحد می‌تواند بر این موضوعات توجه نماید:

تحلیل تجارب معلمان در مورد عوامل تأثیرگذار در کیفیت مدیریت ...

- کاهش پایه‌های درسی که یک معلم ممکن است برای افزایش زمان در اختیار آموزش هر پایه
- کاهش فعالیت‌های جانبی معلم چندپایه از جمله مدیریت و غیره از طریق کمک به صورت پاره وقت به معلمان و مدارس دارای کلاس چندپایه
- ایجاد اجتماعات یادگیری حرفه‌ای مجای برای معلمان چندپایه برای مشارکت و همفکری و انتقال تجارب به همدیگر
- ارائه پشتیبانی حرفه‌ای پداگوژی چند پایه به معلمان چندپایه
- تعامل جامعه محلی برای ایجاد فرهنگ مشارکت در امر آموزش

منابع

- اسدی، پری. (۱۳۸۰). بررسی مشکلات روش‌های موجود تدریس و کلاس‌های چندپایه و ارائه روش‌های مناسب‌تر تدریس در کلاس‌های چندپایه در شهرستان گلپایگان. گزارش طرح تحقیقی، سازمان آموزش و پرورش اصفهان.
- بازرگان، عباس. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته. تهران: نشر دیدار.
- بشیری حدادان، کلثوم؛ محمودی، فیروز؛ رضاپور، یوسف و ادیب، یوسف. (۱۳۹۴). توصیف تجارب و ادراک معلمان و کارشناسان از آموزش در کلاس‌های چندپایه دوره ابتدایی مناطق روستایی کلپبر. پژوهش‌های آموزش و یادگیری، ۷(۲۲)، ۱۲۰-۱۰۷.
- بهنام هشتجین، علی و افخم ساعدی، زرج آباد. (۱۳۸۰). بررسی مشکلات و مسائل کلاس‌های چندپایه. طرح تحقیق دانشگاه پیام نور مرکز خلیخال.
- سیف، علی اکبر. (۱۳۹۲). روانشناسی پرورشی نوین. تهران: انتشارات آگاه.
- عابدینی، یاسمین و مرتضوی‌زاده، سیدحشمت الله. (۱۳۹۷). تأثیر آموزش همشاگردی بر یادگیری درس ریاضی در کلاس‌های چندپایه با استفاده از طرح تک‌آزمودنی همراه با بررسی کیفی. فصل‌نامه پژوهش‌های روانشناختی. دوره ۱۷، شماره ۱. صص ۱۱۹ تا ۱۳۵.
- عبدی، حسن. (۱۳۸۳). بررسی مشکلات آموزشی کلاس‌های چندپایه. گزارش طرح تحقیقی، سازمان آموزش و پرورش آذربایجان شرقی.

غلامی، خلیل و اسدی، محمد. (۱۳۹۲). تجربه حرفه ای اساتید در ارتباط با پدیده تدریس اثربخش در آموزش عالی. دو فصل نامه نظریه و عمل در برنامه درسی، سال اول، شماره ۲، صص ۲۶-۵.

فتحی و اجارگاه، کوروش. (۱۳۹۴). اصول و مفاهیم برنامه ریزی درسی. تهران: علم استادان. فضلی و همکاران، (۱۳۹۱). مبانی نظری زمان آموزش از چرایی تا چگونگی. تهران: وزارت آموزش و پرورش.

گال، مردیت؛ والتر، بورگ، و جویس و گال. (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان شناسی. (احمدرضا نصر، حمیدرضا عریضی، محمود ابوالقاسمی، خسرو باقری، محمدحسین علامت ساز، جعفر پاک سرشت، علی دلاور، علیرضا کیامنش، علیرضا و خوبی نژاد، غلامرضا. (سال انتشار). تهران: سمت و دانشگاه شهید بهشتی.

مرتضوی زاده، سیدحشمت الله. (۱۳۹۶). مدیریت و برنامه ریزی کلاس‌های چندپایه. تهران: انتشارات کورش چاپ.

مهرمحمدی، محمود و همکاران. (۱۳۸۹). برنامه درسی نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم اندازها. تهران: انتشارات سمت.

گری، فنستر ماخر و سولتیس، جونانس. (۲۰۱۱). رویکردهای تدریس. ترجمه نصر اصفهانی، احمدرضا، هدایت، اعتمادی زاده، نیلی، محمدرضا و شریفیان، فریدون. (۱۳۹۰). تهران: مهریستا.

وزارت آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). برنامه درسی ملی. تهران: مؤلف.

Adanur, Z (2011). *The evaluation of teachers' perceptions of constructivist approach to multigrade classrooms applicability: Example of Trabzon City*. Unpublished master thesis, Karadeniz Technical University, Educational Sciences Institut..

Aina, O., E. (2001). *Maximizing learning in early childhood multi-age classrooms: Child, teacher, and parent perceptions*. *Earl y Childhood Education Journal*, 28(4), 219-224.

- Bandy, h. (1980). *the identification of skills and characteristics needed by country. schoolteachers. education reports. Canada* (publication details not supplied).
- Berry, E. A. C., (2006). *Multigrade teaching in London, England. In Education for All and Multigrade Teaching* (pp. 67-86). Springer Netherlands.
- Beukes, C.G., 2006. *Managing the Effects of Multi-grade Teaching on Learner Performance in Namibia*. Dissertation. Magister Education, University of Johannesburg.
- Blum, N., & Diwan, R. (2007). *Small, multigrade schools and increasing access to primary education in India: National context and NGO initiatives*. Brighton: CREATE.
- Brown, D.F. (2016). *Curriculum integration*. In S.B. Mertens, M. Caskey, & N. Flowers (Eds.), *The Encyclopedia of Middle Grades Education* (2nd ed.) (pp. 122-125). Charlotte, NC: Information Age Publishing.
- Brunswic, É., & Valérien, J. (2004). *Multigrade Schools: Improving Access in Rural Africa?* *Fundamentals of Educational Planning* 76. International Institute for Educational Planning (IIEP) UNESCO. 7-9 rue Eugene-Delacroix, 75116 Paris, France.
- Cornish, L. (2006b). *What is multi-grade teaching?* In L. Cornish (Ed.), *Reaching EFA through multi-grade teaching* (pp. 926). Armidale: Kardoorair Press.
- du Plessis, A., & Subramanien, B. (2014). *Voices of despair: Challenges for multigrade teachers in a rural district in South Africa*. *Educational Research for Social Change (ERSC)*, 3(1), 20-36.
- Hry-Beihammer, E. K., & Hascher, T. (2015). Multi-grade teaching practices in Austrian and Finnish primary schools. *International Journal of Educational Research*, 74, 104-113.
- Hargreaves, E. (2001). Assessment for learning in the multigrade classroom. *International Journal of Teacher Development*, 21, 553-560.
- Hargreaves, L., Kvalsund, R., & Galton, M. (2009). Reviews of research on rural schools and their communities in British and Nordic countries: Analytical perspectives and cultural meaning. *International Journal of Educational Research*, 48(2), 80-88.

- Joubert, J. (2010). *Multi-grade teaching in South Africa*. Common Wealth Education Online.
- Joyce, T. M. (2014). Against All Odds: How Do Primary Teachers Navigate in Multi-grade Teaching Contexts?. *Journal of Human Ecology*, 48(1), 153-159.
- Kirillov, A. V., Tanatova, D. K., Vinichenko, M. V., & Makushkin, S. A. (2015). Theory and practice of time-management in education. *Asian Social Science*, 11(19), 193.
- Kivunja, C. (2014). The urgent need to train teachers for multigrade pedagogy in African schooling contexts: lessons from Uganda and Zambia. *International Journal of Higher Education*, 3(2), 63.
- Kızılaslan, I. (2012). Teaching in rural Turkey: pre-service teacher perspectives. *European Journal of Teacher Education*, 35(2), 243-254.
- Leščešen, I., Ivanović-Bibić, L., Dragin, A., & Balent, D. (2013). Problems of teaching organisation in combined (Split) classes in rural areas of the Republic of Serbia. *Geographica Pannonica*, 17(2), 54-59.
- Mulryan-Kyne, C. (2007). The preparation of teachers for multigrade teaching. *Teaching and Teacher Education*, 23 (4), 501-514.
- Mkosana, C., Kapesa, M. J. (2004). *A Module for multi-grade teaching*. Commonwealth of Independent States.
- Kucita, P., Kivunja, C., Maxwell, T. W., & Kuyini, B. (2013). Bhutanese stakeholders' perceptions about multi-grade teaching as a strategy for achieving quality universal primary education. *International Journal of Educational Development*, 33(2), 206-212.
- Kyne, M. C. (2004). Teaching and learning in multi-grade classrooms: What teachers say. *The Irish Journal of Education*, 35, 5-19.
- Little, A. W. (2006). Multigrade teaching: towards an international research and policy agenda. *International Journal of Educational Development*, 21(6), 481-497.
- Mall, Pall. (2005). *A Multi-grade Teaching Program*. London. United Kingdom.
- Mathot, G. B. (2001). *A handbook for teachers of multi-grade classes*. UNESCO.

- Mulryan-Kyne, C. (2007). The preparation of teachers for multigrade teaching. *Teaching and Teacher Education*, 23(4), 501-514.
- Nkoro, Asagha Emmanuel, et. Al. (2014). *The Prospects and Challenges of Multigrade Teaching Approach in Secondary Schools in Nigeria*. International Conference on Arts, Economics and Management. 5(14) 22-23.
- Pate, P.E. (2013). *Academically excellent curriculum, instruction, and assessment*. In P.G. Andrews (Ed.), *Research to guide practice in middle grades education* (pp. 165-186). Westerville, OH: Association for Middle Level Education.
- Richlyn, v. *The Challenges of Multigrade Teaching*. Great House, London, 2012.
- Saqlain, N. (2015). A Comprehensive Look at Multi-Age Education. *Journal of Educational and Social Research*, 5(2), 285.
- Sampson, C. (2016). One teacher's experiences of teaching reading in an urban multi-grade foundation phase class. *Perspectives in Education*, 34(2), 83-96.
- Seban, D. (2015). Development of preservice identities: learning from a multigrade classroom practicum context. *Journal of Education for Teaching*, 41(1), 19-36.
- Sigsworth, A., & Solstad, K. J. (2005). *Small rural schools: A small inquiry*. Cornwall: Interskola.
- Smit, R., Hyry-Beihammer, E. K., & Raggl, A. (2015). Teaching and learning in small, rural schools in four European countries: Introduction and synthesis of mixed-/multi-age approaches. *International Journal of Educational Research*, 74, 97-103.
- Taole, M., & Mncube, V. S. (2012). Multi-grade teaching and quality of education in South African rural schools: Educators' experiences. *Studies of Tribes and Tribals*, 10(2), 151-162.
- Topping, K. (2000). The Effectiveness of Peer Tutoring in Higher and Further Education: A typology and review of the literature. *Higher Education*. 32 (3) 321- 345.
- UNESCO, Bangkok.(2015).*Practical Tips for Teaching Multigrade Classes*. Published by United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization. UNESCO Bangkok Office.
- Venter, N. V. L. (2013). *Parental involvement in learning at rural multi-grade schools in South Africa: a school, community and*

family partnership programme (Doctoral dissertation, Cape Peninsula University of Technology).

Zafarullah, S., Mumtaz, K., Murad, P. U., Abida, S., & Humera, S. (2016). Teachers' Time Management and the Performance of Students: A Comparison of Government and Private Schools of Hyderabad, Sindh, Pakistan. *World Journal of Education*, 6(6), 42-49.

